

# درآمدی بر ایران‌شناسی

دکتر زهره زرشناس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه: زرتشناس. زهره، ۱۳۳۰ -  
عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر ایرانشناسی / زهره زرتشناس  
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۳ ص.  
شابک: 978-964-426-605-8  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: ایرانشناسی  
شماره افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رده بندی کنگره: ۴۰۴ ۱۳۹۱ DSR۶۴/  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۳  
شماره کتابشناسی: ۲۸۱۴۹۳۳



## درآمدی بر ایران‌شناسی

مؤلف: دکتر زهره زرتشناس  
ویراستار: فرزانه زرتشناس  
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیر نشر: ناصر زعفرانچی  
ناظر چاپ: مجید اسماعیل زارع  
نسخه‌پرداز: فرزانه زرتشناس  
آماده سازی: عرفان بهار دوست  
حروف چین و نمونه خوان: نادیا حاجی پور  
صفحه‌آرا: فرزانه صادقیان  
طرح و اجرای روی جلد: عطا... کلویانی  
چاپ اول: ۱۳۹۱  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: فرشیه  
ردیف انتشار: ۹۱-۳۶  
بها: ۵۵۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-605-8

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶۶۰۵۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

## فهرست مطالب

|         |                                          |
|---------|------------------------------------------|
| ط       | سرسخن                                    |
| ۱       | گفتار نخست - خاورشناسی، بستر ایران شناسی |
| ۱-۱     | ۱-۱ خاورشناسی، خاورشناسی                 |
| ۲-۱     | ۲-۱ نقد خاورشناسی                        |
| ۱-۲-۱   | ۱-۲-۱ ادوارد سعید و کتاب شرق شناسی       |
| ۱-۲-۱-۱ | ۱-۲-۱-۱ بازتاب کتاب شرق شناسی در جهان    |
| ۳-۱     | ۳-۱ اندیشه خاورشناسی در ایران            |
| ۱-۳-۱   | ۱-۳-۱ بازتاب کتاب شرق شناسی در ایران     |
| ۴-۱     | ۴-۱ تاریخچه خاورشناسی                    |
| ۵-۱     | ۵-۱ صور (اشکال) خاورشناسی                |
| ۶-۱     | ۶-۱ اشاعه خاورشناسی                      |
| ۱-۶-۱   | ۱-۶-۱ انجمن ها و نشریات خاورشناسی        |
| ۲-۶-۱   | ۲-۶-۱ همایش های خاورشناسی                |
| ۱-۲-۶-۱ | ۱-۲-۶-۱ دوره نخست                        |
| ۲-۲-۶-۱ | ۲-۲-۶-۱ دوره دوم                         |
| ۳-۲-۶-۱ | ۳-۲-۶-۱ دوره سوم                         |
| ۴-۲-۶-۱ | ۴-۲-۶-۱ آخرین همایش                      |
| ۵-۲-۶-۱ | ۵-۲-۶-۱ ایران و همایش های خاورشناسی      |
| ۳-۶-۱   | ۳-۶-۱ خاورشناسان                         |
| ۷-۱     | ۷-۱ حوزه های پژوهش در خاورشناسی          |
| ۸-۱     | ۸-۱ منابع تاریخ خاورشناسی                |

|    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۴۳ | گفتار دوم - ایران‌شناسی               |
| ۴۳ | ۱-۲ ایران‌شناسی، ایران‌شناسی          |
| ۴۵ | ۲-۲ نقد ایران‌شناسی                   |
| ۵۰ | ۱-۲-۲ ایران و نقد ایران‌شناسی         |
| ۵۱ | ۳-۲ تاریخچه ایران‌شناسی               |
| ۵۵ | ۱-۳-۲ سده هفدهم                       |
| ۵۹ | ۲-۳-۲ سده هجدهم                       |
| ۶۰ | ۳-۳-۲ سده نوزدهم                      |
| ۶۱ | ۴-۳-۲ سده بیستم                       |
| ۶۱ | ۱-۴-۳-۲ آلمان                         |
| ۶۳ | ۲-۴-۳-۲ اسپانیا و پرتغال              |
| ۶۳ | ۳-۴-۳-۲ آمریکا                        |
| ۶۴ | ۴-۴-۳-۲ انگلیس                        |
| ۶۵ | ۵-۴-۳-۲ ایتالیا                       |
| ۶۶ | ۶-۴-۳-۲ ایران                         |
| ۶۷ | ۱-۶-۴-۳-۲ بنیاد ایران‌شناسی           |
| ۶۹ | ۷-۴-۳-۲ روسیه و جمهوری‌های شوروی سابق |
| ۷۲ | ۸-۴-۳-۲ ژاپن                          |
| ۷۳ | ۹-۴-۳-۲ فرانسه                        |
| ۷۴ | ۱۰-۴-۳-۲ کشورهای اروپای مرکزی         |
| ۷۴ | ۱-۱۰-۴-۳-۲ اتریش                      |
| ۷۴ | ۲-۱۰-۴-۳-۲ چکوسلاواکی (سابق)          |
| ۷۵ | ۳-۱۰-۴-۳-۲ رومانی                     |
| ۷۵ | ۴-۱۰-۴-۳-۲ مجارستان                   |
| ۷۵ | ۵-۱۰-۴-۳-۲ یوگوسلاوی (سابق)           |
| ۷۶ | ۱۱-۴-۳-۲ کشورهای اسکاندیناوی          |
| ۷۶ | ۱-۱۱-۴-۳-۲ دانمارک                    |

## فهرست مطالب ز

|     |                                                                   |
|-----|-------------------------------------------------------------------|
| ۷۷  | ۲-۱۱-۴-۳-۲ سوئد                                                   |
| ۷۷  | ۳-۱۱-۴-۳-۲ فنلاند و نروژ                                          |
| ۷۸  | ۱۲-۴-۳-۲ لهستان                                                   |
| ۷۹  | ۱۳-۴-۳-۲ هلند                                                     |
| ۸۰  | ۱۴-۴-۳-۲ کشورهای دیگر                                             |
| ۸۰  | ۱-۴-۳-۲ تایلند (سیام)                                             |
| ۸۱  | ۲-۱۴-۳-۲ چین                                                      |
| ۸۲  | ۲-۱۴-۴-۳-۲ شبه قاره                                               |
| ۸۳  | ۲-۱۴-۴-۳-۲ کانادا                                                 |
| ۸۴  | ۴-۲ صور (آشکال) ایران شناسی                                       |
| ۸۵  | ۵-۲ اشاعه ایران شناسی                                             |
| ۸۶  | ۱-۵-۲ انجمن ها و نشریات ایران شناسی                               |
| ۸۸  | ۲-۵-۲ همایش های ایران شناسی                                       |
| ۹۰  | ۱-۲-۵-۲ کنگره های تحقیقات ایرانی                                  |
| ۹۱  | ۲-۲-۵-۲ همایش های ایران شناسی                                     |
| ۹۱  | ۳-۲-۵-۲ جمع بندی کنگره های تحقیقات ایرانی و همایش های ایران شناسی |
| ۹۲  | ۳-۵-۲ ایران شناسان                                                |
| ۹۴  | ۴-۵-۲ مراکز نگاهبانی و پخش کتاب                                   |
| ۹۴  | ۶-۲ حوزه های پژوهش در ایران شناسی                                 |
| ۹۵  | ۷-۲ منابع تاریخ ایران شناسی                                       |
| ۱۱۵ | سخن پایانی                                                        |
| ۱۱۷ | پیوست                                                             |
| ۱۲۱ | کتابنامه                                                          |
| ۱۳۹ | نمایه                                                             |

## سرسخن

شرق از آن خداست  
غرب از آن خداست  
و سرزمین‌های شمال و جنوب نیز  
آسوده در دستان خداست  
کوته

مردم مغرب‌زمین از دیرباز با شرق، به معنای اعم و ایران، به معنای اخص، از طریق نوشته‌های سیاحان، فیلسوفان و اندیشه‌گران روزگار کهن (هرودوت 484-420 BC)، گزنفون (Xenophon 430-355 BC)، استرابون (Strabon 58 BC - 25 AD) و دیگران آشنایی داشته‌اند. این شناخت در سده‌های میانه و پس از ظهور اسلام نیز کمابیش تداوم داشته است.

فرهنگ و تمدن اسلامی بر پایه میراث علمی و فرهنگی هند، ایران و منطقه آسیای غربی و نیز به سبب تساهل و دانش‌طلبی مسلمانان، که بسیاری از آثار فلسفی، طبیعی، ریاضی، نجومی و جغرافیایی یونانیان را مستقیماً و یا از طریق زبان سریانی به عربی ترجمه کردند، رشد و گسترش یافت و بر گنجینه دانش جهانی بسیار افزود و توجه دنیای غرب را معطوف این سوی عالم ساخت.

ارتباط دنیای غرب با آسیای کهن گرچه متزلزل بود، اما هیچ‌گاه به طور کامل نگسست. نخست آنکه به جهت زیارت بیت‌المقدس و دیگر اماکن مذهبی فلسطین چون

بیت‌الرحم و ناصره سفر و تماس همواره برقرار بود و دیگر آنکه تجارت دریایی در شرق مدیترانه، ایتالیا و یونان و تجارت زمینی از طریق اسپانیا و آسیای صغیر ادامه داشت.

جنگ‌های صلیبی، که از سال ۴۸۹ ق. آغاز شد و مدت دویست سال ادامه یافت، پیشرفت ترکان در آسیای صغیر و مهاجرت گروهی از علما و فیلسوفان آن دیار به غرب، موجب آشنایی بیشتر غربیان با مشرق زمین و دنیای اسلام شد. گرچه پیش از آن نیز غربیان دربارهٔ خاورزمین و دیانت اسلام رساله‌هایی نگاشته بودند که در مجموع مبهم و به دور از شناخت علمی بود. از آن پس اسلام‌شناسی<sup>۱</sup> به عنوان بخشی از فعالیت‌های علمی خاورشناسی مورد توجه قرار گرفت. گروه بزرگی از خاورشناسان در طول تاریخ هزار سالهٔ خاورشناسی سازمان‌یافته و منظم پژوهش‌های خویش را بر اسلام‌شناسی، شناخت قرآن، سنت، حدیث، سیرهٔ پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع)، جنبش‌های اسلامی، معارف اسلامی و نظایر آن متمرکز کردند. بدین ترتیب جریانی ریشه‌دار<sup>۲</sup> شکل گرفت که اهمیت آن تنها در تأثیرگذاری بر قالب و محتوای اسلام‌شناسی در کشورهای اسلامی نیست، بلکه وجه غالب اهمیت آن، در شکل‌دهی افکار غربیان به چه در محافل علمی و مجامع تصمیم‌گیرنده و چه در میان عامهٔ مردم است. نتایج و دستاوردهای خاورشناسی و به تبع آن، مطالعات اسلامی در غرب ریشهٔ تلقی کنونی غربی‌ها دربارهٔ اسلام و کشورهای اسلامی است و توجه به این جریان و ابعاد و پیامدهای آن سبب آگاهی بیشتر و تقویت نقش شایستهٔ دنیای اسلام در مواجهه با غرب در حوزهٔ تعامل فرهنگی خواهد شد.

در سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی مغرب‌زمین در مسیر تحولات و تطورات سیاسی و اقتصادی و تجدید حیات علمی و نوزایی فرهنگی، رنسانس قرار گرفت و رابطهٔ آن با مشرق‌زمین تغییر یافت.

شناخت بیشتر مغرب‌زمین از شرق به دنبال پیدایش استعمار و نفوذ اروپاییان در مشرق‌زمین و آفریقا بیشتر شد و صورت سازمان یافته‌تری به خود گرفت و به صورت جریان فکری تأثیرگذاری درآمد. در واقع رابطهٔ مستقیمی میان نفوذ سیاسی و نظامی دولت‌های سلطه‌گر با خاورشناسی آنان در قاره‌های آسیا و آفریقا برقرار شد.<sup>۳</sup> شک نیست که در طول تاریخ خاورشناسی فلاسفه، تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان صادق و حتی امینی بوده‌اند که با استعمار و به طور کلی سیاست روز سروکاری نداشته‌اند و برخی از آنها حتی

در جهت کمک و همدردی با محرومان بوده‌اند و گروهی از آنها به فرهنگ و حتی مذاهب شرقی گرویده‌اند.

از اواخر سده هجدهم خاورشناسی، که در آغاز شاید فقط به اطلاعات زبانی و زبان‌شناختی و در ادامه به تاریخ و جغرافیای اقوام شرقی می‌پرداخت، به تدریج همه شئون فرهنگی خاورزمین را مورد بررسی و مطالعه قرار داد تا بر آن تسلط یابد و عقاید خود را بر آن تحمیل کند و به طور کلی «بر شرقی که خود ساخته و پرداخته است» (سعید ۱۳۶۱: ۶) حکومت کند. در واقع از ثلث آخر سده هجدهم (پایان خاورشناسی کهنه) (سعید ۱۳۸۲: ۴۸) «شرق پیچیده‌ای ظهور می‌کند که برای مطالعه در آکادمی‌ها، نمایش در موزه‌ها، تجدید ساختار در ادارات مستعمراتی و ... بسیار مناسب بوده است» (سعید ۱۳۸۲: ۲۴) و دوران خاورشناسی نوین آغاز می‌شود.

خاورشناسی، که قرار بود در چارچوب رشته‌ای کلی به مطالعه زبان و ادبیات مشرق زمین بپردازد، به حوزه‌های متعدد تقسیم و به عبارت دیگر تخصصی می‌شود. منظر یا جهان‌بینی حاکم همان است که از سوی خاورشناسان نخستین بنیان‌گذاری شده است، اما عنوان خاورشناسی به کار گرفته نمی‌شود زیرا سنت خاورشناسی نهادینه شده است. پس نسل جدید خاورشناس، به سبب پیچیده شدن مناسبات شرق و غرب و بیداری مشرق‌زمین، به «مطالعات حوزه‌ای» روی می‌آورد و در دانشگاه‌ها «مطالعات حوزه‌ای» با زیرمجموعه‌هایی چون افریقا‌شناسی، مطالعات خاورمیانه، آسیا‌شناسی و امثال اینها، جایگزین خاورشناسی می‌شود و عرصه خاورشناسی به «متخصصان منطقه‌ای» واگذار می‌شود (رجایی ۱۳۶۹: ۲۱۰).

پس از جنگ جهانی دوم، که نقطه عطف دیگری در تاریخ خاورشناسی محسوب می‌شود، بخش عمده خاورشناسی تحت سلطه انگلیس و فرانسه به آمریکا منتقل می‌شود (دوران خاورشناسی نوین پس از جنگ) (سعید ۱۳۸۲: ۵۳). مطالعات جهان سوم‌شناسی و رشته‌های فرعی و تخصصی‌تر آن باب می‌شود که همه محصول تحولات سیاسی داخلی و خارجی در کشورهای بزرگ غربی و به ویژه آمریکا است. به عبارت دیگر خاورشناسی به موازات تغییرات و تحولات در مناسبات بین‌المللی متحول می‌شود. امروز خاورشناسی از سوی خود شرقیان اما با رهیافت و روشی، که توسط جریان خاورشناسی باب شده است، ادامه دارد.

ایران‌شناسی یا مطالعات ایرانی، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های خاورشناسی، تابعی از این تحولات و دیگرگونی‌ها است. از آنجا که جریان خاورشناسی «بیش از هر شاخه دیگر از شاخه‌های مطالعات علمی جوامع انسانی، آلوده به پیش‌داوری‌ها و فضای تاریخ پدیدآمدن خود بوده است» (آشوری ۱۳۵۱: ۹)، شایسته است که از منظری نو به ایران‌شناسی نگریده شود.

واقعیت امر آن است که ایران‌شناسی در مرحله تکوینی خود در انحصار خاورشناسی اروپایی و به شکل‌های گوناگون با سیاست مرتبط بود و در همان چارچوب ذهنی حاکم بر جریان خاورشناسی حرکت می‌کرد. اما در عین حال کوشش‌ها و خدمات محققان و دانشمندان اروپایی را بر شناسایی و معرفی وجوه گوناگون تمدن، فرهنگ و تاریخ ایران، در طول تاریخ نه چندان کوتاه ایران‌شناسی، نمی‌توان نادیده گرفت.

بنا بر این به نظر می‌رسد راه حل این نباشد که خاورشناسی و یا ایران‌شناسی کنار گذاشته شود بلکه بایسته است با دیده انتقادی به روش‌ها، تحقیقات و آثار ایران‌شناسان نظر افکند و نادرستی‌ها و نارسایی‌های آن‌را دریافت و ارزش‌های آن را ارج نهاد. به ویژه اکنون که دانشمندان و پژوهشگران ایرانی نیز خود در این عرصه صاحب‌نظر و فعال‌اند و همکاری ایرانیان در تحقیقات ایران‌شناسی قابل توجه و نظرگیر است، شایسته است که خویش‌شناسی و دیگرشناسی همراه با شناخت رهیافت و منظر حاکم بر مطالعه باشد. به گفته ایرج افشار روابط فرهنگی پایدار و بیدار که آن را سیاست روابط فرهنگی هم می‌توان نامید، می‌تواند تنها چاره کار باشد که هم خطرات احتمالی جریان خاورشناسی را دفع می‌کند و هم از سودمندی‌های آن بهره می‌برد و معرف راستین یک ملت است به ملل دیگر، همراه با نوعی آگاهی از عقاید دیگر ملل نسبت به خود (افشار ۱۳۵۲: ۳۱-۴۱).

حفظ منافع فرهنگی ایران در سرزمین وسیعی که از لحاظ تاریخ و معارف انسانی متأثر از تمدن ایرانی است، همیشه می‌تواند یکی از پایه‌های سیاست روابط فرهنگی قرار گیرد تا سهمی که زبان و ادبیات و حتی سیاست و اقتصاد ایران در طول تاریخ داشته است به نحو بارز و روشن بازگو شود و دیگران هم با آن آشنا شوند.

راهبرد مناسبات و روابط فرهنگی کشور می‌تواند بر دو وجه زیر استوار باشد: نخست به معرفی دایمی و منظم فرهنگ ملی و قومی گذشته و کنونی ایران نزد دیگران بپردازد؛ سپس تمامی آثار و خدماتی را که دیگران در زمینه ایران و شناخت فرهنگ و تمدن آن

انجام می‌دهند به مجامع علمی داخل کشور معرفی نماید. به بیان دیگر باید هوشیارانه به فعالیت‌های «خوب» و «بد» ایران‌شناختی نگریست و از آن در زمینه‌های درست و بنا بر مصالح ملی سود برد.

در پژوهش حاضر تلاش شده است که تاریخچه‌ای اجمالی از خاورشناسی و در پی آن ایران‌شناسی ارائه شود و مجموعه‌ای از دست‌آوردهای کوشش‌گران خاورشناس و ایران‌شناس غربی و شرقی در یک جا گردآوری و معرفی شده، در اختیار دانشجویان رشته ایران‌شناسی قرار گیرد. بدین امید که با معرفی بیشتر این رشته علمی و دانشگاهی به جامعه فارسی‌زبان، راه برای تحقیقات بیشتر و گسترده‌تر از سوی ایرانیان در آینده گشوده شود و به شناخت و معرفی بیشتر تاریخ و تمدن چند هزار ساله ایران زمین بیانجامد.

مطالب این کتاب در دو گفتار، به شرح زیر، دسته‌بندی شده است:

گفتار نخست: معرفی جریان خاورشناسی غربی و نقدهای وارد به آن، بررسی کتاب شرق‌شناسی تألیف ادوارد سعید و بازتاب آن در ایران و جهان، تاریخ مختصر خاورشناسی همراه با صور (اشکال) گوناگون آن، بررسی ابزار و راه‌های گسترش و اشاعه خاورشناسی. گفتار دو: معرفی جریان ایران‌شناسی غربی و نقدهای وارد به آن در ایران، تاریخ مختصر ایران‌شناسی در کشورهای گوناگون همراه با صور (اشکال) گوناگون آن، بررسی ابزار و راه‌های گسترش و اشاعه ایران‌شناسی.

در بخش پایانی، سخن پایانی، کتابنامه، پیوست و نمایه آمده است.

شایان ذکر است که در این کتاب تلفظ اسامی خاص بر اساس ضبط دایره‌المعارف مصاحب ارائه شده است.

در این تلاش، وظیفه خود می‌دانم از کسانی که بدون یاریشان این پژوهش به فرجام نمی‌رسید، سپاسگزاری نمایم: از جناب آقای دکتر آیت‌اللهی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و جناب آقای ناصر زعفرانچی، مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه، برای انتشار این اثر؛

از شادروان دکتر عنایت‌الله رضا که طرح و متن مقدماتی کتاب را در سال ۱۳۸۷ با دقت و صبوری بسیار بررسی کردند و نکات بسیار ارزشمندی را تذکر دادند؛

از سرکار خانم فرزانه وزوایی، دوست و همکار فاضل و نازنینم که همواره نکات ویرایشی ارزنده‌ای را تذکر داده‌اند؛

از سرکار خانم نادیا حاجی‌پور، دانشجوی دوره دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، که افزون بر تکمیل کتابنامه نخستین کتاب، بازخوانی و تصحیح نمونه‌های چاپی کتاب را در نهایت دقت و نکته‌سنجی انجام داده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در طرح مقدماتی پژوهش حاضر، در سال ۱۳۸۰، بخشی را به بررسی تاریخچه اسلام‌شناسی و معرفی اسلام‌شناسان به طور کلی نقد آثار آنان اختصاص داده و مقالات و کتاب‌های بسیاری را به دو زبان فارسی و انگلیسی گردآورده و بررسی کرده بودم. اما پس از انتشار کتاب‌های مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان (← اسعدی ۱۳۸۱)، مطالعات اسلامی در غرب (← الویری ۱۳۸۱)، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان (← زمانی ۱۳۸۵) و تاریخچه شرق‌شناسی (کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب) (← همتی گلیان ۱۳۸۶) که پژوهش‌هایی جامع و ارزنده در این زمینه‌اند و به راستی پاسخگوی نیازهای تحقیقاتی در زبان فارسی بوده‌اند، شایسته‌تر دادم که از تکرار مکررات بپرهیزم و آشنایی با «اسلام‌شناسی» را به این پژوهش‌ها واگذارم. گرچه بر این باورم که بخش عمده مطالعات ایران‌شناسی در دوره پس از اسلام همواره با مطالعات و پژوهش‌های اسلام‌شناسی شریک خواهد بود.
۲. این جریان نزد بسیاری از مسلمانان به ویژه در ایران، عموماً طنینی منفی و گاه منفور داشته است و خاستگاه آن غالباً اسلام‌ستیزانه و به نحوی، امتداد دیگرگونه جنگ‌های صلیبی تلقی شده است.
۳. به همین دلیل خاورشناسی فرانسه در کشورهای غربی مغرب و شمال آفریقا نیرومندتر است تا خاورشناسی انگلیس و یا خاورشناسی انگلیس در هند بسیار پربارتر از خاورشناسی فرانسه است.